

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جانبازان

ارسالی: ساما (ادامه دهندگان)

۰۸ جون ۲۰۱۲



سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما - ادامه دهندگان)

## اندیشه، هدف، امید

نویسنده: شهید داکتر ایوب "نیزک"

### ۲ - هدف:

ویژگی و صفت دیگر انسان هدفمندی وی است. این خط فاصل دیگری است که انسان بین خود و سائر جانوران ترسیم کرده است. هدفمندی درست بدین معنی که انسان در تمام امور حیاتی خود با تعیین اهداف و حرکت به سوی این اهداف فعالیت های خود را شکل می دهد. خلاف سائر موجودات زنده که فعالیت های شان غیر هدفمندانه و تابع سلسله ای از تصادفات است، انسان قبل از آغاز به حرکت و فعالیت نخست هدف و مقصود خویش را معین و مشخص می سازد و بعد برای رسیدن به آن دست به عمل می زند.

انسان بی هدف موجود زنده سرگردان، سرگشته، منفعل و تابع تصادفات است. انسان بی هدف نمی تواند بیندیشد یا اقلاً نمی تواند درست بیندیشد و بالعکس آن نیز مصداق دارد، یعنی انسان بی اندیشه نمی تواند با هدف باشد یا حد اقل هدف درست داشته باشد، و چون بیندیشد یا غلط بیندیشد نمی تواند آگاه شود، و اگر آگاه نشود نمی تواند آزاد گردد و آدمی اسیر که دیگر حق انسانی زیستن نمی یابد.

از آنجائی که اندیشه می تواند سقیم و صیح باشد، غلط و درست باشد، ناقص و کامل باشد ، علمی و غیر علمی باشد، انقلابی و ضد انقلابی باشد. پس موازی با آن ها هدف انسان ها نیز می تواند حایز این صفات باشند. ولی آنطوری که گفتیم اندیشمندی انسان باید به سوی آگاهی علمی و انقلابی سیر کند تا سرانجام انسان را از بند و ستم رها سازد. پس روشن است که هر قدراندیشه انسان علمی تر باشد، به همان اندازه هدف انسان درست تر و واقعی تر می باشد و رسیدن به آن از امکان بیشتری برخوردار خواهد بود.

همینطور هر اندازه که انسان ستمدیده بیشتر و بهتر از اندیشه انقلابی بهر مند باشد، به همان اندازه هدفش واقعی تر و انقلابی تر خواهد بود و دست یافتن به آزادی آسانتر خواهد شد .

ستمگر می اندیشد و ستمگرانه می اندیشد، برایش آگاهی ستمگرانه می آفریند. بر اساس این آگاهی ستمگرانه خود هدفش را تعیین می کند. هدفش ستمگرانه است، برای استثمار و سود ب دست آوردن است. پس انسان ستمگر است و اما ستمدیده و اسیر هم باید بیندیشد، برای خود باید آگاهی بیافریند، آگاهی اش باید آزادیخواهانه باشد. بر اساس این آگاهی باید هدفش را تعیین کند. هدفش آزادیخواهانه است، هدفش رهائی از زیر ستم و رستن از اسارت باید باشد. در این صورت است که او می تواند اندیشمند و هدفمند باشد و چون آگاهی و اندیشه اش برای آزاد سازی است، لذا انسان انقلابی و آزادیخواه است و در نتیجه انسان به مفهوم واقعی اش است.

همانطوری که جامعه انسان عصر حاضر یک جامعه ساده و بسیط نیست، بلکه جامعه ایست با مناسبات متنوع و گوناگون و مغلق و پیچیده، و حرکت اجتماعی انسان امروز یک حرکت چند بُعدی و بغرنج است. لذا تشخیص و تعیین هدف برای این انسان نیز امر آسان نیست که نسبت به آن بر خورد غیر مسؤولانه داشته باشد . این پیچیدگی ها باعث آن گردیده است که ستمگر بیشتر بتواند ستمدیده را از هدفش دور کند، تا بر حیات ستمگرانه خویش بیفزاید.

امروز ستمگران جهان با استفاده از دستاوردهای علمی بشر، وسایل مادی و فکری مدرنی برای پرت کردن ستمدیده از هدفش، به کار می برند و در مقابل، ستمدیده هم ناگزیر است که برای پیدا کردن و شناختن هدف خویش بیشتر به آگاهی علمی و انقلابی خود را مسلح سازد، در غیر این یا بی هدف خواهد بود و یا هدفش موهوم و غیر واقعی که در هر دو حالت بر ستم ستمگر صحنه گذاشته و سربه تسلیم آن فرو نهاده است.

واما، انسان اسیر افغان که در برابر ستمگری استعمار روس قد آزادیخواهانه بر افراشته است، ناگزیر است که در تشخیص و تعیین هدف خویش برخورد دقیق، علمی، آگاهانه و انقلابی داشته باشد .

مردم قهرمان افغانستان کلاً هدف عمده خویش را در نبرد کنونی تشخیص و تعیین کرده اند، و آن دفع تجاوز استعمار روس است. اما این تشخیص و تعیین به وسیله آگاهی نبوده است، بلکه ناگزیری روند قانونمند زندگی اجتماعی بر آنها در عمل تحمیل کرده است. لذا از یک جانب فقط همین برای شناخت، تشخیص و تعیین یک هدف کافی نیست و باید این شناخت، تشخیص و تعیین در طی این چند سال مبارزه خونین مردم ما تکامل پیدا می کرد. از جانب دیگر متأسفانه با دخالت علل ناروای زیادی، از بیرون به داخل جنبش مقاومت ملی، سعی می شود مردم ما را از اصل هدف دور بیندازند و بیگانه نمایند، چنانچه سیاست های انحصارگرایی، تفرقه افکنانه، به راه انداختن جنگهای داخلی و... و ... همه عواملی اند که مردم ما را در عمل از هدف شان دور می کند، که همین اکنون نشانه هائی از این دوری به چشم می خورد .

لازم است تا مردم افغانستان آگاهانه و همه جانبه هدف خویش را تشخیص دهند. تشخیص هدف به وسیله آگاهی است که انسان در رسیدن به آن از هیچ نوع تلاش و فداکاری مسامحه و دریغ نمی کند . تعیین هدف براساس آگاهی،

اعتقاد و باور نسبت به هدف، نتیجه به بار می آورد و در آن صورت است که حرکت هدفمندانه نتیجه مند می شود. هنوز مردم ما در خیلی از مسائل مربوط به هدف خود نا آشنا هستند. مثلاً مردم ما می دانند که باید استعمار روس را از سرزمین مقدس خویش برانند، ولی هنوز همه نمی دانند که این مقاومت و نبرد شان برای به دست آوردن آزادی ملی و اعمار افغانستان مستقل و پیشرو است و نیروهای وابسته و مغرض در جنبش مقاومت، هم چیزهای دیگری جایگزین آن می کنند. آنها هدف های موهوم، هدف های صرفاً حزبی و یا شخصی و یا سلطه جویانه، هدفهای غیر واقعی، هدفهایی که ناقض قانونمندی های جنگ آزادیبخش است، برای نبرد آزادیبخش ملی ترسیم می کنند. و این مشکل بزرگی در جنبش مقاومت افغانستان به بار آورده است. چنانچه دوری از هدف آزادی ملی که نتیجه قانونمند جنگ آزادیبخش ملی است، باعث ایجاد مشکلات فراوانی در راه به وجود آوردن وحدت ملی شده است، که دوری از وحدت ملی، دور افتادن از پیروزی براستعمار روس است.

باید گفت هدف آزادی ملی برای جنبش آزادیبخش ملی یک هدف برحسب دلخواه این فرد و آن گروه نیست. همانطوری که ترکیب هایدروجن و اکسیجن تحت شرایط معین کیمیای فقط آب به وجود می آورد نه چیز دیگر، برای جنبش مقاومت میهنی یک ملت آگاه هم آزادی ملی نتیجه ناگزیر آنست، که ملت در حال مقاومت و نبرد باید قبلاً آن را آگاهانه تشخیص کند و آن را به عنوان هدف خود برگزیند تا بتواند راه ها و وسائل رسیدن به آن را بشناسد و مورد استفاده قرار دهد. سوای آن، جنبش به گمراهی ره می برد و در کام نهنگی دیگر فرو خواهد رفت. از جانب دیگر سوسیال امپریالیسم روس با تمام قوا می کوشد مردم ما را از هدف شان بیگانه نماید، چه دشمن دقیقاً می داند که اگر بتواند جنبش مقاومت ملی ما را از هدف واقعی و عینی آن تهی بسازد، در آن صورت بزرگترین مشکل خود را در به انقیاد کشیدن ملت ما حل کرده است.

آری! اکنون دانسته شد که اهمیت ویژگی هدفمند بودن آدمی تا بدان حد است که نبود آن می تواند انسان را از معراج آزادی به خاکدان اسارت و از سریر آدمیت به حسیض حیوانیت فرو کشد. اهمیت هدفمند بودن برای جنبش مقاومت ملی میهن ما تا بدان حد است که می تواند انسان اسیر افغان را از ذلت اسارت به عزت آزادی و سعادت فرا کشد.

### ۳ - امید:

اندیشمندی و هدفمندی برای انسان صفت دیگری به بار آورده است که عبارت از امید است. امید برای انسان یک مفهوم زنده ای است، مفهومی که با انسان زندگی می کند و تمام حالات خوب و بد انسان بر آن تأثیر می گذارد، توأم با تکامل انسان تغییر و تحول و تکامل می یابد. چه به صورت فردی و یا کلاً برای انسان، امید وسیله ایست که او را به آینده اش پیوند می زند، به آینده اش علاقه مند می سازد.

امید دور نمائی از آینده برای انسان متجسم و متصور می سازد و انسان بدون برقرار کردن این رابطه، این پیوند، این علاقه، این تجسم گری به آینده، نمی تواند حرکت و فعالیت مبتکرانه برای بازآفرینی زندگی داشته باشد. پس امید در واقع نیروی باور انسان برای تحقق اهدافش است. انسان با امید، انسان متحرک، فعال و پویاست، ولی انسان ناامید و یأس زده، منفعل، ایستا و تسلیم پذیر است.

ولی کلاً برای انسان می توان دو نوع امید را تشخیص داد: یکی باطل، واهی، دروغین، غیر واقعی و غیر علمی؛ و دیگری امید واقعی راستین، علمی و انقلابی. امید باطل و دروغین انسان را به بیراهه می کشد، به انفعال می کشد و سرانجام به اسارت و تسلیم شدن می کشاند. زیرا امید باطل آن امیدی است که به تحقق نپیوندد، آن امیدی که

برآورده نشود، یا امکان برآورده شدنش در جهان واقعیت هرگز وجود نداشته باشد. این نوع امید به یأس مبدل می گردد و یأس درجه انفعال، تسلیم شدن و اسارت انسان است .

اما امید واقعی و راستین، امیدی است که برآورده شود، یا امکان برآوردنش در جهان واقعیت و عینیت وجود داشته باشد. و برآورده شدن امید یعنی تحقق پذیرفتن هدف و از اینجاست که می گویند "امید مادر امید است !" بر آورده شدن امید، امید دیگری می زاید و به همین ترتیب تا آخر. بدینگونه انسان در سیر باز آفرینی خلاقانه زندگی و تمام متعلقات آن قرار می گیرد.

دروغین بودن و راستین بودن امید انسان، مستقیماً متعلق است به سقیم بودن و صحیح بودن اندیشه اش، زیرا همان طوری که گفتیم انسان به وسیله اندیشه خود هدفش را تعیین می نماید و با امید رسیدن به هدف دست به کار می شود. حال اگر اندیشه انسان علمی و انقلابی نباشد هدف تعیین شده اش ، هدف غیر واقعی و رسیدن به آن ناممکن خواهد بود و در این صورت امیدی که برای انسان خلق می شود، یک امید باطل است و بر آورده شدنی نیست .

اما اگر اندیشه انسان علمی و انقلابی باشد، هدفی که اتخاذ می کند واقعی است و رسیدن به آن ممکن، هرچند مشکلات و دشواری های فراوان هم داشته باشد. در این صورت امیدی که انسان دارد، امیدی واقعی است و می تواند مادر امید های دیگر شود، و هرچند هم اگر یک گام کوچک به تحقق هدف خود نزدیک شود، این امید برایش زنده می ماند و رشد می کند و حرکت آن شخص را به سوی هدف قوت می دهد .

از جانب دیگر براساس آنچه تاکنون گفتیم ، دانسته می شود که بین اندیشه ، هدف ، امید رابطه ارگانیک وجود دارد. بدینگونه که با اندیشه، هدف مشخص می گردد، و با تعیین شدن هدف انسان امید به آینده می یابد و به اساس این نیروی امید به سوی هدف حرکت می کند. هرچه انسان به هدفش نزدیک می شود امید در وجودش رشد و تکامل می کند، و باز باعث تلاش و فعالیت بیشتر می گردد. وقتی به هدف دست یافت، امیدش شگفته می شود، اندیشه اش بارور می گردد و اعتقادش راسخ تر می گردد، و باز اندیشه غنی تری، هدف متکامل تری و امید متعالی تری آفریده می شود و باز دیگر و باز دیگر...

و اما اینها تا حدودی مربوط به دانستن یا دست یافتن به اندیشه صحیح یا صحیح اندیشیدن است . ستمگران همیشه تلاش می ورزند تا برای ستمدیدگان امیدهای واهی و باطل خلق کنند، امید هائی که هرگز برآورده شدنش ممکن نباشد، تا بدین وسیله ستمدیدگان را در یک رابطه ستمکشی متداوم با خود نگهدارند. مثلاً این امید که یک دهقان از طریق کار و زحمت بسیار به مال و منال برسد، یا یک کارگر از طریق فروش نیروی کار بیشتر، به ثروتی دست یابد یا یک ملت تحت استعمار با سازش و کرنش به آزادی برسد، امید های باطلی اند که ستمگر برای سود جستن بیشتر از شیرۀ جان ستمدیدگان در ذهن آنها خلق می کند. با تبلیغ و تلقین این امید که استعمارگر برای ملت استعمارزده ترقی، پیشرفت و سعادت و چه و چه به ارمغان می آورد، فقط و فقط برای اینست که سلطۀ خویش را بگستراند و تثبیت کند .

اکنون که خلق قهرمان افغانستان در یک تعارض خونین و تاریخی، در یک نبرد سخت و دشوار با سوسیال امپریالیسم روس قرار گرفته است، در پهلوی خیلی بایستگی های دیگری که لازمه این مبارزات و نبرد آزادیخواهانه است، یک ضرورت مهم آن هم امید وار بودن خلق ما به آینده و نتیجه این نبرد است .

امیدوار بودن به آینده پیروزمند شان ، امید وار بودن به دستیابی به گوهر آزادی. اما نه آنچنان امیدی که واهی باشد، باطل باشد، دروغین باشد؛ بلکه امیدی که به اساس آگاهی و به وسیله هدفمندی به وجود آمده باشد. امیدی که در کنار

تمام عسرت های جنگ، تمام خسارات و تلفات جنگ، در کنار تمام افت و خیزها درجنگ، رشد و تکامل یابد و مبارزات آزادیخواهانه مردم ما را بیشتر از پیش قوت بخشد .

دشمن شرارت پیشه مردم افغانستان، سوسیال امپریالیسم روس، از یک طرف می خواهد به وسیله ماشین جنگی خود با وحشت آفرینی کشتار، تخریب، بمباردمان و . . . امید مردم افغانستان را نسبت به فردای پیروزی و آزادی شان ضربت زند و آن امید را بی پایه و سراب گونه جلوه دهد تا مردم رزمنده ما یأس زده شده و از مبارزه علیه دشمن خون خوار دست بردار شوند. از سوی دیگر امید های واهی گوناگون به مردم ما تلقین می کند تا بدینگونه حرکت آزادیخواهانه ملت افغانستان رابه تیرگی یأس و ناامیدی بکشاند. مسائلی از قبیل "حل سیاسی قضیه افغانستان"، "آتش بس یکجانبه"، "صلح و آشتی ملی" و . . . همه تلاش مذبوحانه روس است جهت ایجاد امید های دروغین برای مردم ما .

متأسفانه در داخل جنبش مقاومت ملی میهن ما نیز از همان آغاز از طریق نیروهای غافل و بی خرد، امید های واهی و بیهوده به خورد مردم ما داده شده است که هرکدام تأثیرات منفی خود را بر جنبش مقاومت گذاشته است . مثلاً این که فلان وقت فلان رهبر و امیر به کابل می آید و بر تخت می نشیند، یا در فلان ماه و سال انقلاب به پیروزی می رسد ، یا این که فلان پادشاه و فلان " شخص مبارک " معجزه می کند. یا دل بستن به فلان ملاقات سران کشورها، مذاکرات ژنیو و . . . این ها فقط امید های باطل به بارمی آورد که نتیجه اش به بار آمدن ناامیدی ها و یأس ها خواهد بود .

در اخیر به طور خلاصه باید گفت که :

مردم افغانستان برای به سرمنزل مقصود رساندن نبرد آزادیخواهانه خویش که با خون ده ها هزار شهید آبیاری گردیده است، باید آگاهی علمی و انقلابی متناسب با مضمون مقاومت خویش و هدف واقعی نسبت به آینده این نبرد سرنوشت ساز را داشته باشند. در آن صورت است که می توان گفت پایه های انسانی - فکری جنبش آزادیبخش ملی به وجود آمده است. و آن وقت با بسیج و سازماندهی جنبش بر این پایه ها می توان به سیر تکاملی آن تا به باغستان آزادی امیدوار بود.

و آری! مردم دلاور افغانستان سرانجام با دست های پرتوان خویش به یاری پیشآهنگان انقلابی شان ، این پایه را اعمار خواهند کرد .

با این باور و امید رزمندگان ساما در هر لحظه و در هر جا همدرد و همراه مردم خود بوده و خواهند بود.

---

بر گرفته از: از شماره شانزدهم، دور دوم، سال هفتم، عقرب ۱۳۶۶ ش (نومبر ۱۹۸۷ - م) "ندای آزادی"  
ارگان نشراتی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان(ساما)